

## صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم کیفری در حقوق ایران

دکتر رجب گلدوست جویباری\*

محمود اشرافی\*\*

حسین ناظریان\*\*\*

### چکیده

صلاحیت اولین مقوله‌ایی است که هر مرجع حل اختلافی قبل از ورود به اصل دعوا با بررسی آن خود را نسبت به رفع خصومت مطروحه شایسته یا غیر صالح می‌یابد. در نظام حقوقی ایران محاکم گوناگونی برای حل و فصل دعاوی حقوقی ایجاد شده است، که برخی از آنها صلاحیت عامی جهت رسیدگی به تمامی دعاوی، مگر آنچه به‌طور خاص از صلاحیت‌شان خارج شده است، دارند این در حالی است که محاکم خاص دیگری نیز در نظام حقوقی وجود دارد که فقط برای رسیدگی به موضوعات مصرح در قانون تشکیل دهنده‌شان به صورت کاملاً حصری صلاحیت دارند. این دسته از محاکم که با عنوان مراجع اختصاصی شناخته می‌شوند، یا جزئی از نظام دادگستری عمومی‌اند و یا به نحو جداگانه و مستقل از دادگستری عمومی مشغول‌اند. از سوی دیگر نیز در دادگاه‌های عمومی دادگستری شعبی با قاضی آموزش‌دیده به پرونده‌های موضوعات خاصی که رسیدگی به آنها مستلزم داشتن دانش و آگاهی در مورد موضوع تخصصی است،

---

\* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

رسیدگی می‌کنند. این نوع از دادگاه‌های عمومی که در نظام حقوقی ایران به دادگاه‌های تخصصی مشهوراند، علاوه بر صلاحیت خاصی که نسبت به موضوع تخصصی دارند، صلاحیت عام‌شان که ناشی از دادگاه عمومی بودن‌شان است، نیز به قوت خود باقی است. در این نوشتار مختصر برآنیم تا اولاً: به تعریف و بررسی اصول کلی و ویژگی‌های دادگاه‌های اختصاصی و تخصصی در نظام حقوقی ایران پردازیم، سپس به بررسی قوانین مختلفی که به تأسیس دادگاه اختصاصی پرداخته‌اند، یا با اختصاص شعبی از دادگاه‌های عمومی به رسیدگی به پرونده‌های با موضوعات تخصصی، دادگاه تخصصی تشکیل داده‌اند، می‌پردازیم.

**کلید واژگان**

دادگاه‌های عمومی، صلاحیت اختصاصی، صلاحیت تخصصی.

### بخش اول: کلیات

در این بخش در پی آنیم تا به بررسی مفهوم صلاحیت کیفری و اقسام آن- اختصاصی و تخصصی- و ویژگی‌های هر کدام بپردازیم.

#### گفتار اول: تعریف صلاحیت

صلاحیت لغتاً به معنای لیاقت و اهلیت و شایستگی است. در اصطلاح حقوقی، "صلاحیت" این گونه تعریف شده است: "صلاحیت عبارت از اختیار قانونی یک مأمور رسمی، برای انجام پاره‌ای از امور، مانند صلاحیت دادگاه و صلاحیت مأمور دولت در تنظیم سند رسمی."<sup>۱</sup> و صلاحیت دادگاه "اختیاری است که به دادگاه داده شده تا به دعوایی رسیدگی کرده و حکم آن را صادر نماید. این اختیار را قانون به موجب حکم خاص (در مورد دادگاه‌های اختصاصی) و یا به موجب حکم عام (در مورد دادگاه‌های عمومی) می‌دهد."<sup>۲</sup> اما نباید تصور کرد که تعریف ارائه شده برای صلاحیت دادگاه صرفاً اختیار محض مرجع حقوقی برای رسیدگی به پرونده مطرح شده است، بلکه دادگاهی که خود را در رسیدگی به موضوع صالح می‌داند، موظف به رسیدگی و صدور حکم مقتضی است؛ به بیان دیگر محکمه با صالح شناختن خود به موضوع، تکلیف به رسیدگی دارد والا قاضی مورد نظر به مجازات جرم استتکاف از احقاق حق محکوم می‌شود.<sup>۳</sup> بنابراین

۱. محمد جعفر، جعفری لنگرودی؛ ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، بی تا، ص ۴۰۷.

۲. احمد، متین دفتری؛ آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷، ص ۲۰۸.

۳. ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی در این باره چنین مقرر می‌دارد: «هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و با وجود اینکه رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول شش ماه

صلاحیت، زوجیتین است یعنی هم حق است و هم تکلیف، زیرا، محاکم دادگستری به موجب قانون حق رسیدگی به دعاوی را دارا می‌باشند و هیچ مرجع دیگری نمی‌تواند صلاحیت را به دادگاه داده یا از آن سلب کند<sup>۴</sup> و وقتی مرجعی خود را صالح به رسیدگی دانست مکلف است در آن مورد حکم قضایی موافق قوانین و مقررات مملکتی صادر نماید.

نویسندگان آیین دادرسی کیفری بر صلاحیت و قواعد مربوط به آن آثاری بار کرده‌اند، از جمله اینکه قواعد مربوط به صلاحیت قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است و در امور کیفری نه قاضی و نه طرفین دعوا نمی‌توانند برخلاف آن توافقی کنند، بنابراین قواعد صلاحیت کیفری الزامی‌اند یعنی کسی نمی‌تواند برخلاف آن‌ها عمل کند مگر اینکه مقنن تصریح کرده باشد؛ تشخیص صلاحیت بر اساس ماده ۳۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳<sup>۵</sup> در هر مورد بر عهده قاضی مربوطه است؛ دیگر اثر قواعد صلاحیت این است که طرفین دعوا در هر مرحله‌ای از دادرسی حق اعتراض به صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده را دارند، نهایتاً اینکه عدم رعایت قواعد صلاحیت از موجبات نقض حکم در مرحله تجدید نظر محسوب می‌شود.<sup>۶</sup>

تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیة خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.»

۴. ناصر، کاتوزیان؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۷۹، ش ۲۹ به بعد.

۵. ماده مذکور چنین مقرر کرده است: «تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی مطروحه با همان دادگاهی است که قانوناً مکلف به رسیدگی به پرونده بوده است.»

۶. رجب، گلدوست جویباری؛ کلیات آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص-ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

### گفتار دوم: صلاحیت اختصاصی و ویژگی‌های آن

تنها تعریف قانونی که در حقوق ایران در مورد صلاحیت اختصاصی مراجع وجود دارد همان است که در ماده چهارم قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام عدلیه مصوب ۲۱ رجب سال ۱۳۲۹ قمری و پس از آن در قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ شمسی، آمده است.<sup>۷</sup>

این قوانین مرجع اختصاصی را چنین تعریف کرده‌اند: «مراجع اختصاصی آن است که به هیچ امری حق رسیدگی ندارد، غیر از آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است، مثل محاکم تجارت و نظامی و غیرها که تشکیلات و ترتیبات آن‌ها به موجب قانون علی حده، تعیین می‌شود.»

بنابراین دادگاهی را می‌توان یک مرجع اختصاصی دانست که قانوناً و صراحتاً صلاحیت رسیدگی به دعوی برایش مقرر شده باشد، یعنی مقنن به صورت ویژه با تصویب قانونی بخشی از صلاحیت عام محاکم عمومی دادگستری را که قانوناً صلاحیت رسیدگی به تمام دعاوی و تظلمات حقوقی را دارند<sup>۸</sup> به مرجع اختصاصی می‌دهد تا محکمه اختصاصی تنها دادگاه صالح به رسیدگی به امور اختصاص یافته باشد و در عین حال محکمه اختصاصی به هیچ امر دیگری جز آنچه قانون در صلاحیتش قرار داده است حق رسیدگی ندارد.

مراجع اختصاصی که اصولاً در برابر محاکم عمومی دادگستری به کار می‌روند<sup>۹</sup>

۷. سید محمد زمان، دریاباری؛ داسرا و دادگاه ویژه روحانیت، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۶.

۸. اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره چنین بیان کرده است: «مراجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است....».

۹. عبد الله، شمس؛ آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، انتشارات دراک، چاپ هفدهم، ۱۳۸۷، جلد نخست، ص ۷۱.

ویژگی‌های خاص خود را دارند که سبب تمییزشان از محاکم تخصصی دادگستری است. خصوصیات مهم دادگاه‌های اختصاصی که ممیزه آن‌ها از محاکم مشابه است را می‌توان چنین برشمرد:

### الف) قانونی بودن دادگاه‌های اختصاصی

دادگاه‌های اختصاصی منحصرأ به وسیله قانون مصوب مجلس نمایندگان در نظام حقوقی کشور ما ایجاد می‌شوند<sup>۱۰</sup> مثلاً در بین محاکم اختصاصی موجود در نظام حقوقی فعلی ایران می‌توان از دادگاه‌های نظامی، که تنها دادگاه اختصاصی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است، نام برد. به این ترتیب که اصل ۱۷۲ قانون اساسی ایران در این رابطه این چنین مقرر می‌نماید: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد...». همچنین دادگاه اختصاصی دیگری که امروزه در حقوق کیفری ایران وجود دارد دادگاه ویژه روحانیت است، که البته به موجب یک قانون مصوب مجلس شورای اسلامی ایجاد نشده است بلکه این محکمه اختصاصی با دستور و نظر مقام رهبری در ایران تشکیل شده است. البته پس از تشکیل این دادگاه در ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۹ از این دادسرا و دادگاه ویژه یاد شده است، ولی این ماده تشکیل دهنده این دادسرا و دادگاه نیست زیرا، همان طوری که ماده مذکور هم تصریح کرده این محکمه با نظر مقام رهبری، و نه به موجب حکم قانون، ایجاد شده است. ماده مذکور به این شرح است: «دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که بر اساس دستور

۱۰. سید عباس، تولیت؛ صلاحیت عام محاکم دادگستری و صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی، مجله دیدگاه‌های حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۳۰.

ولایت، رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) تشکیل گردیده طبق اصول پنجم و پنجاه و هفتم قانون اساسی تا زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه کار آن را مصلحت بدانند به جرائم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن تابع مقررات مربوط به قوه قضائیه می‌باشد». بنابر آنچه گفته شد برخی مدعی غیرقانونی بودن دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت‌اند زیرا، این مرجع اختصاصی با تصویب مجلس نمایندگان تشکیل نشده است<sup>۱۱</sup>، در پاسخ به این نظر می‌توان چنین گفت که چون در نظام جمهوری اسلامی ایران قوای حاکمه زیر نظر مقام رهبری اعمال می‌شوند و تفکیک قوا به طور مطلق پذیرفته نشده است و با توجه به آنچه که در تصویب آیین‌نامه‌های تعزیرات حکومتی در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ و ایجاد جرم و تعیین مجازات توسط هیئت دولت به استناد اذن مقام رهبری به موجب آیین‌نامه‌های دولتی<sup>۱۲</sup>، باید چنین نتیجه گرفت که به قیاس اولی خود مقام رهبری وقتی بتواند اختیار جرم‌انگاری را به قوه دیگری غیر از قوه مقننه که مرجع صلاحیت‌دار تصویب قانون به معنای اخص است، بدهد، می‌تواند با تصویب آیین‌نامه دست به ایجاد دادسرا و دادگاه اختصاصی روحانیت بزند؛ مضافاً آنکه به موجب آخرین فراز از اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که مقرر می‌کند: «مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است»، تصمیمات این شورا که به تأیید مقام رهبری رسیده باشند حتی قابلیت نسخ یا نقض مصوبات مجلس شورای اسلامی را دارند<sup>۱۳</sup>، بنابراین با توجه به اصل ولایت مطلقه فقیه در

۱۱. عباس، زراعت و علی، مهاجری؛ شرح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، نشر فیض، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد اول (تحقیقات مقدماتی)، ص ۲۰۰.  
 ۱۲. محمدعلی، اردبیلی؛ حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۴، جلد اول، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.  
 ۱۳. سید محمد، هاشمی؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵، جلد دوم (حاکمت و نهادهای سیاسی)، ص ۵۳۷.

نظام جمهوری اسلامی ایران (اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی ایران) و آنچه گفته شد، می‌توان به مشروعیت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت در نظام فعلی حقوقی ایران نظر داد. از دادگاه‌های اختصاصی سابق که اکنون دیگر در نظام حقوقی ایران جایگاهی ندارند ولی به موجب قانون خاصی تشکیل شده‌اند می‌توان به مراجع ذیل اشاره کرد:

۱. دادگاه اطفال که به موجب قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب دهم آذرماه سال ۱۳۳۸ تشکیل شده و به موجب تبصره ماده ۱۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب ابتدا خود دادگاه از نظام حقوقی ایران برچیده شد و سپس به موجب ماده ۱۹۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۶۱ شیوه خاص دادرسی جرائم اطفال که در دادگاه‌های عمومی نیز اجرا می‌شدند، به کلی کنار گذاشته شدند. بنابراین ملاحظه می‌شود که با تصویب قانون سال ۱۳۳۸ بخشی از صلاحیت عام دادگاه‌های دادگستری (منظور رسیدگی به جرائم اطفال است) از این مراجع به موجب یک قانون منتزع شده است و به ایجاد یک دادگاه اختصاصی اطفال ختم شده است.

۲. دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب که ابتدای انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به دستور امام خمینی در ایران تشکیل شد و پس از آن برای تنظیم قواعد مربوط به چگونگی تشکیل و دادرسی شعب این دادگاه شورای انقلاب به تصویب «آیین نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب» در تاریخ ۲۷ خردادماه ۱۳۵۸ اقدام نمود و پس از آن شورای انقلاب اسلامی ایران با تصویب «لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب» در تاریخ ۱۳ تیرماه سال ۱۳۵۸ به این دادگاه‌ها و جهت قانونی داد.<sup>۱۴</sup> نهایتاً مجلس شورای اسلامی این دادگاه‌های اختصاصی را بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی ایران قرار داد و با

۱۴. همان، ص ۴۳۲.

تصویب قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ صریحاً حدود صلاحیت این دادگاه را معین نمود.

### ب) آیین دادرسی خاص

ویژگی دیگری که مرجع اختصاصی را خصوصاً از دادگاه‌های تخصصی دادگستری عمومی جدا می‌کند وجود یک روش دادرسی خاص در دادگاه اختصاصی است.<sup>۱۵</sup> معمولاً تسریع در رسیدگی‌ها در دادگاه اختصاصی<sup>۱۶</sup>، غیر علنی بودن دادرسی در مرجع اختصاصی<sup>۱۷</sup> و بعضاً حضور قاضی غیر حقوقی در مراجع اختصاصی<sup>۱۸</sup> به عنوان ویژگی‌های دادرسی خاص در محاکم اختصاصی شناخته می‌شوند.

بنابراین می‌توان دادگاه‌های نظامی را در نظام فعلی حقوقی ایران، که به موجب رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۵۶ مورخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۸۰ از نظام دادرسی خاصی به غیر از شیوه دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب برخوردار است، یک دادگاه اختصاصی دانست (به موجب رأی مذکور آیین دادرسی دادگاه‌های نظامی همان قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۲۹۰ و اصلاحیه‌های بعدی آن می‌باشد). دادگاه ویژه روحانیت نیز دیگر دادگاه اختصاصی است که نظام دادرسی مخصوص به خود را دارا است (در آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب مردادماه ۱۳۶۹ و اصلاحی سال ۱۳۸۴ بخشی به شیوه دادرسی خاص اختصاص یافته است).

۱۵. همان، ص ۴۲۸ و همچنین: عبد الله، شمس؛ همان، ص ۷۱.

۱۶. رحمت الله، نوروزی فیروز؛ آیین دادرسی کیفری ۲ (صلاحیت)، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱.

۱۷. علی، خالقی؛ آیین دادرسی کیفری، نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۳۰۶.

۱۸. هاشمی؛ همان، ص ۴۲۸.

### ج) وجود مرجع تجدید نظر خاص

ویژگی دیگر دادگاه‌های اختصاصی داشتن یک مرجع تجدید نظر خاص برای پژوهش از آرای بدوی دادگاه اختصاصی است، به نحوی که از مرجع عام تجدیدنظر از آرای محاکم عمومی متفاوت است. بر این اساس دادگاه‌های نظامی مراجع اختصاصی محسوب می‌شوند. زیرا، به استناد ماده ۲ قانون تجدید نظر آراء دادگاه‌ها مصوب ۱۷ مردادماه ۱۳۷۲ مرجع بررسی نقض یا تأیید احکام دادگاه‌های نظامی دو، دادگاه نظامی یک همان محل می‌باشد، همچنین مرجع تجدید نظر آراء دادگاه‌های نظامی یک، دیوان عالی کشور، به عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی کشور، می‌باشد. همچنین دادگاه ویژه روحانیت نیز بر اساس مواد ۴۹ و ۵۰ آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت دارای مرجع پژوهش‌خواهی مختص به خود به نام "دادگاه تجدید نظر ویژه روحانیت" است.

### گفتار سوم: صلاحیت تخصصی و ویژگی‌های آن

در حقوق شکلی ایران وقتی سخن از محکمه با صلاحیت تخصصی به میان می‌آید، در واقع بحث از شعبه‌ایی از دادگاه‌های عمومی است که بر اساس تقسیم کار و به موجب تخصص به نوع خاصی از دعاوی یا جرائم رسیدگی می‌نماید. با این وجود نباید تصور نمود که تخصصی کردن شعب فقط در دادگاه‌های عمومی و انقلاب انجام می‌شود، بلکه در حقوق ایران شعب محاکم اختصاصی را نیز می‌توان بر اساس تخصص و تجربه و برای بهتر انجام شدن امور به شعب تخصصی تقسیم نمود؛ مثلاً در مورد شورای حل اختلاف تا کنون تقسیم کار بین شعب انجام شده و چندین نوع شعب تخصصی شورای حل اختلاف تشکیل شده است از جمله این شعب می‌توان به شورای حل اختلاف برای حل و فصل

اختلافات ناشی از جرائم اطفال<sup>۱۹</sup>، شورای حل اختلاف ویژه مطبوعات<sup>۲۰</sup>، شورای حل اختلاف مستقر در بازداشتگاه‌های موقت<sup>۲۱</sup> و شورای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری<sup>۲۲</sup> اشاره نمود.

شعب تخصصی مراجع حقوقی دارای ویژگی‌هایی‌اند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

### الف) عدم لزوم قانونی بودن تشکیل شعب تخصصی

منظور از این عنوان آن است که برای ایجاد شعبه تخصصی و تقسیم کار بین شعب دادگاه‌ها لزومی به تصویب یک قانون مصوب مجلس شورای اسلامی نیست، بلکه شعب تخصصی چون خود شعبه‌ایی از دادگاه‌های عمومی و انقلاب‌اند و با تخصصی کردن شعب دادگاه‌های عمومی و انقلاب دادگاه جدیدی با صلاحیت ذاتی ایجاد نمی‌شود (زیرا، به موجب اصل ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است" یعنی ایجاد دادگاه اختصاصی و صلاحیت ذاتی فقط حق مجلس نمایندگان است)<sup>۲۳</sup> صرفاً با تصویب و ابلاغ بخش‌نامه توسط رئیس قوه قضائیه و

۱۹. بخش‌نامه رئیس قوه قضائیه به شماره ۱/۸۵/۱۷۹۹۲، مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۶ مندرج در فصلنامه قضایی معاونت آموزشی قوه قضائیه، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۰۳.

۲۰. بخش‌نامه رئیس قوه قضائیه به شماره ۱/۸۶/۵۱۴۶، مورخ ۱۳۸۶/۵/۸، فصلنامه قضایی معاونت آموزشی قوه قضائیه، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۰۱.

۲۱. ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی بازداشتگاه‌های موقت به شماره ۱/۸۵/۱۶۳۲۴، مورخ ۱۳۸۵/۹/۵ مندرج در فصلنامه قضایی معاونت آموزشی قوه قضائیه، شماره ۴، پائیز ۱۳۸۵، ص ۱۲۷.

۲۲. آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری مصوب هیئت وزیران به شماره ۱۳۳۰۱۷/ت/۳۶۲۸۵ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۰، فصلنامه قضایی معاونت آموزشی قوه قضائیه، شماره ۸، پائیز ۱۳۸۶، ص ۳۰۷.

۲۳. هاشمی؛ همان، ص ۴۲۳.

تخصیص شعب به موضوع خاص شکل می‌گیرند. اما این نکته مانع از آن نیست تا اگر مقنن وجود دادگاه تخصصی ویژه‌ایی را لازم بداند نتواند با تصویب قانون رئیس قوه قضائیه را مکلف به تخصیص برخی از شعب دادگاه‌های عمومی و انقلاب به رسیدگی به موضوع مورد نظر نماید. بر همین اساس مقنن در سال ۱۳۷۶ با تصویب قانونی با عنوان «قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده)» رئیس قوه قضائیه را مکلف به تخصیص شعبی از دادگاه‌های عمومی به رسیدگی به دعاوی راجع به خانواده و نکاح و طلاق نمود بدون آنکه به ایجاد دادگاه جدید با صلاحیت خاص اقدام کرده باشد، پس مسلم است که مقنن با تصویب این قانون به ایجاد یک دادگاه اختصاصی جدیدی نپرداخته است.<sup>۲۴</sup> همچنین دادگاه تخصصی دیگری که مقنن با تصویب قانون قوه قضائیه را مکلف به تخصیص شعبی از دادگاه‌های عمومی به موضوع خاصی نمود، شعب اختصاص یافته به موجب ماده ۳۲ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه مکلف است برای رسیدگی به تخلفات و جرائم ناشی از اجراء این قانون و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران- مصوب ۱۳۸۴/۹/۱- شعب خاصی را تعیین کند...».

### ب) عدم لزوم یک آیین دادرسی ویژه

شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی و انقلاب چون خود ابتدائاً و ذاتاً شعبه دادگاه عمومی‌اند که بر اساس تخصص و تقسیم کار مکلف به رسیدگی به موضوعات خاص

۲۴. عبد الله، شمس؛ همان، ص ۶۸.

شده‌اند اصولاً شیوه دادرسی خاصی ندارند و از همان آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب تبعیت می‌کنند، بنابر همین خصوصیت است که در دادگاه‌های خانواده آیین دادرسی ویژه‌ای غیر از آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ حاکم نیست<sup>۲۵</sup>، البته ممکن است به صورت استثنایی و آن هم به دلیل شخصیت فرد محاکمه شونده در برخی از موارد و آنجا که مصلحت اقتضا دارد از شیوه دادرسی متفاوتی نسبت به آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب استفاده کنند؛ نمونه این گونه شعب تخصصی در حقوق ایران دادگاه‌های اطفال‌اند که در آن‌ها اصل بر عدم افشای نام و حتی خصوصیات طفل خطاکار و غیر علنی بودن دادرسی است (ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸)<sup>۲۶</sup>.

### ج) جانشین شدن دادگاه عمومی به عنوان قائم مقام دادگاه تخصصی

چون دادگاه‌های عمومی و انقلاب در نظام قضایی ایران دارای صلاحیت عام‌اند و اصولاً با تخصیص شعب دادگاه‌های عمومی به امور خاص تغییری در صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی حادث نمی‌شود، بنابراین دادگاه‌های عمومی در حوزه‌هایی که دارای شعب اندک است به نحوی که نمی‌توان برای هر امر تخصصی دادگاهی اختصاص داد شعبه دادگاه عمومی به موضوع تخصصی اختصاص یافته به شعب تخصصی نیز رسیدگی می‌کند. برای این امر می‌توان به دادگاه اطفال اشاره کرد زیرا، تبصره دو ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در این باره اینچنین مقرر کرده

۲۵. همان.

۲۶. برای اطلاع بیشتر از خصوصیات دادرسی ویژه اطفال نگاه کنید به: حسینعلی، مؤذن زادگان؛ دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران، مجله ندای صادق، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۳.

است: «در حوزه‌هایی که چنین دادگاهی (منظور دادگاه تخصصی اطفال است) تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی برابر مقررات این فصل به جرائم اطفال نیز رسیدگی خواهد کرد.» همچنین تبصره دو ماده واحده قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده) مصوب ۱۳۷۶ قائم مقام دادگاه خانواده را در حوزه قضایی بخش، دادگاه عمومی بخش دانسته است. این در حالی است که در دادگاه‌های اختصاصی مثل دادگاه نظامی و دادگاه ویژه روحانیت هیچ‌گاه دادگاه عمومی و انقلاب به عنوان جانشین و قائم مقام دادگاه‌های مذکور معرفی نشده است، زیرا، اساساً دادگاه اختصاصی شعبه‌ایی از دادگاه‌های عمومی نیست تا با تقسیم کار و تخصصی کردن شعب دیگر صلاحیت رسیدگی به امر تخصصی را نداشته باشد.

#### د) صلاحیت رسیدگی به امور خارج از تخصص خود

دادگاه‌های تخصصی که برای رسیدگی فنی‌تر به امور تخصصی بین شعب دادگاه‌های عمومی تقسیم شده‌اند چون ماهیتاً دادگاه عمومی و با صلاحیت عام هستند و با بخش‌نامه رئیس قوه قضائیه از حدود صلاحیت‌شان کاسته نمی‌شود و فقط در یک حیطه فنی و خاص مشغول‌اند، اصولاً به امور دیگری که در صلاحیت تخصصی آن‌ها نیست نیز می‌توانند رسیدگی کنند. این مطلب را مقنن به‌طور عام در ماده ۲۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری اینچنین بیان می‌کند: «اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه‌های عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نمی‌شود؛ البته این یک اصل کلی است آن هم در مواردی که قانون بر خلاف این قاعده امر دیگری مقرر نکرده باشد، به نحوی که دادگاه تخصصی را فقط مقید به رسیدگی به امر تخصصی خاصی کند. بر این اساس است که ماده ۳۲ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی با سلب صلاحیت عام از شعب تخصصی، که توسط این

قانون قوه قضائیه مکلف به تشکیل آن‌ها شده است، دادگاه‌های مورد بحث را فقط صالح و مکلف به رسیدگی به موضوعات فنی خاصی نموده است؛ ماده مورد بررسی چنین مقرر کرده است: «قوه قضائیه مکلف است برای رسیدگی به تخلفات و جرائم ناشی از اجراء این قانون و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ - شعب خاصی را تعیین کند. این شعب منحصراً به دعاوی و شکایات مربوط به این دو قانون رسیدگی می‌نماید». بنابراین هرگاه دادگاه تخصصی با حکم قانون مصوب مجلس نمایندگان ایجاد شود خود مقنن می‌تواند بر اساس اصل کلی قانونی بودن ایجاد محاکم و تقسیم صلاحیت (قسمت دوم اصل صد و پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) از دادگاه عمومی اختصاص یافته به موضوع خاص نسبت به امور غیر تخصصی، سلب صلاحیت کند و قاعده کلی صلاحیت عام دادگاه تخصصی را با استثنا رویه‌رو نماید.

#### ه) ویژگی خاص قاضی محکمه

معمولاً شعب تخصصی محاکم دارای قاضی آموزش دیده یا با تجربه در مورد مسئله مطروحه و یا دارای ویژگی خاصی است تا با تجربه و آموزش‌های اکتسابی بتواند در مورد دعوای تخصصی مطروحه که به حکم قانون یا بخش‌نامه رئیس قوه قضائیه فقط در صلاحیت آن شعبه است به خوبی رسیدگی نماید. از این رو، است که در برخی از قوانین مصوب مجلس و بخش‌نامه‌های قضایی ویژگی آموزش دیده بودن یا داشتن تجربه کافی در مورد خاص یا داشتن ویژگی خاص در فرد رسیدگی کننده به دعوا شرط شده است؛ برای مثال می‌توان به تبصره یک ماده واحده قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده) اشاره کرد که چنین مقرر کرده است: «قضات دادگاه‌های خانواده باید متأهل و با سابقه حداقل چهار سال کار قضایی باشند.» همچنین تبصره ماده ۳۰ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۸۸ در رابطه با مجرب بودن قاضی محکمه تخصصی رایانه‌ای اینچنین حکم کرده است: «قضات

دادسراها و دادگاه‌های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند انتخاب خواهند شد.<sup>۲۷</sup> در میان بخش‌نامه‌های قضایی که به ایجاد شعبه تخصصی پرداخته نیز می‌توان شرط متخصص بودن شخص رسیدگی کننده را یافت، مثلاً رئیس قوه قضائیه در بخش‌نامه شماره ۱/۸۶/۵۱۴۶ مورخ هشتم مردادماه ۱۳۸۶<sup>۲۸</sup> در مورد تخصیص برخی از شعب شورای حل اختلاف به دعاوی مطبوعاتی برای اعضای اینگونه شوراها داشتن تجربه و تبحر در امور مطبوعاتی و رسانه‌ای شرط دانسته شده است.

**بخش دوم: بررسی نوع صلاحیت برخی محاکم کیفری داخل در قوه قضائیه**  
در این بخش با در نظر گرفتن تعاریف و ویژگی‌هایی که برای انواع صلاحیت‌های اختصاصی و تخصصی در بخش اول ارائه کردیم، به بررسی نوع صلاحیت (اختصاصی یا تخصصی) برخی از محاکم کیفری که زیر مجموعه قوه قضائیه محسوب می‌شوند می‌پردازیم.

#### گفتار اول: دادگاه‌های عمومی

اصولاً هم قبل از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و هم بعد از آن تا سال ۱۳۷۳ و تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مقنن برای دادگاه‌های عمومی دادگستری ایران در مرحله بدوی نوعی صلاحیت ذاتی مقرر کرده بود<sup>۲۸</sup>، به نحوی که دادگاه‌های حقوقی و کیفری (که در هر دوره انواع و اسامی مختلفی داشته‌اند) بر اساس قانون فقط صالح به رسیدگی به امور حقوقی یا کیفری مشخصی بودند. اما در راستای یک

۲۷. محمد اسماعیل، بیگی (تدوین و گردآوری)؛ مجموعه بخش‌نامه‌ها (قوه قضائیه)، نشر قضا، چاپ اول، ۱۳۸۷، جلد چهارم، ص ۱۵۷.  
۲۸. هاشمی؛ همان، ص ۴۲۲.

نظام دادرسی مشابه نظام دادرسی اتهامی با اعطای صلاحیت عام به دادگاه‌های عمومی بدوی دادگستری مقنن در سال ۱۳۷۳ به تصویب قانونی با نام «قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» اقدام کرد. بر اساس این قانون تمامی محاکم بدوی دادگستری عمومی در ایران برچیده شدند و به جای آن‌ها دادگاه عمومی با صلاحیت عام (حقوقی، کیفری و امور حسبی) در ایران تشکیل شد. بنابراین با وجود این قانون تمامی محاکم بدوی آن زمان یعنی دادگاه‌های کیفری یک و دو و حقوقی یک و دو و دادگاه مدنی خاص جای خود را به مرجع واحدی با صلاحیت کاملاً موسع دادند (ماده اول قانون مورد بررسی). با تصویب قانون مذکور صلاحیت ذاتی در محاکم بدوی دادگستری عمومی بی معنا شد<sup>۲۹</sup> و تنها امری که دو شعبه از دادگاه عمومی را از هم جدا می‌کند فقط تفکیک بر اساس تخصصی است که طبق ماده اول آیین‌نامه قانون مورد بحث مصوب سال ۱۳۷۳ و اصلاح شده در سال ۱۳۸۱، رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز از طرف او بر اساس تخصص قضات هر شعبه انجام می‌دهند. پس جدا کردن دادگاه عمومی حقوقی از عمومی کیفری فقط نه بر اساس صلاحیت ذاتی بلکه بر اساس صلاحیت تخصصی هر شعبه می‌باشد. قضات دادگاه‌ها نیز بر همین عقیده‌اند<sup>۳۰</sup> و اثر این امر را چنین بیان می‌کنند: «فایده عملی آن است که چنانچه پرونده کیفری به شعبه حقوقی یا بالعکس ارجاع شود... نیازی به صدور قرار عدم صلاحیت نیست، بلکه با نوشتن اینکه این پرونده با توجه به تقسیم کار مربوط به شعب کیفری است، پرونده به نظر رئیس حوزه قضایی می‌رسد تا تصمیم لازم را اتخاذ کند.»<sup>۳۱</sup>

۲۹. محمد، آشوری؛ عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۲۴۱.  
 ۳۰. معاونت آموزش قوه قضائیه، رویه قضایی ایران در ارتباط با مراجع کیفری (دادگاه‌ها)، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۳۰.  
 ۳۱. محمدرضا، زندی (گردآورنده)؛ ۴۳۲ نکته از قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱، نشر اشراقیه، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۷۵.

## گفتار دوم: شعب اختصاص یافته از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به موارد خاص

تخصصی کردن دادگاه‌های عمومی در نظام قضایی ایران در سال‌های اخیر مورد توجه مقامات ارشد مملکتی قرار گرفته است. شدت این امر تا حدی است که اداره دادگاه‌ها بر اساس تخصص و تجربه در سند چشم انداز سیاست‌های کلی نظام در بند ۴ سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی توسط مقام رهبری و تصویب شده در تاریخ پنجم آذرماه ۱۳۸۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام گنجانده شده است. پس از آن نیز هم در برخی از قوانین تازه تصویب در مورد امور تخصصی و هم به کوشش رئیس قوه قضائیه در صدور بخش‌نامه‌های قضایی، شعب اختصاص یافته دادگاه‌های عمومی به رسیدگی به موضوعات ویژه به نحو تخصصی افزایش یافته است. هرچند تخصصی کردن دادگاه‌ها در سال‌های اخیر فقط مختص به جرائم و دادرسی‌های کیفری نبوده و در مورد دعاوی حقوقی با ظرافت ویژه<sup>۳۲</sup> رئیس قوه قضائیه با صدور بخش‌نامه‌هایی به اختصاص شعبی از دادگاه‌های عمومی به رسیدگی به موضوع خاص پرداخته است، ولیکن عمدتاً شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به جرائم ناشی از قوانین تازه تصویب اختصاص یافته‌اند. بنابراین در این گفتار به بررسی اجمالی برخی از این شعب تخصصی می‌پردازیم:

### الف) دادگاه رسیدگی کننده به جرائم رایانه‌ای

مجلس شورای اسلامی در تاریخ پنجم خردادماه ۱۳۸۸ قانونی به نام قانون جرائم

۳۲. برای مثال می‌توان از دادگاه‌های تخصصی رسیدگی کننده به دعاوی اوقاف یاد کرد که بر اساس بخش‌نامه رئیس قوه قضائیه به شماره ۱۸۶/۱۳۴۷ مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۲ اختصاص یافته‌اند: محمد اسماعیل، بیگی (تدوین و گردآوری)؛ مجموعه بخش‌نامه‌ها (قوه قضائیه)، نشر قضا، چاپ اول، ۱۳۸۷، جلد چهارم، ص ۱۴۰.

رایانه‌ای تصویب نمود که در تاریخ بیستم خردادماه همان سال به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید. در این قانون مقنن با توجه به فنی بودن جرائم در ارتباط با رایانه یا ناشی از آن به درستی و در ماده سی‌ام قانون مورد بحث با اختصاص شعبی از دادگاه‌های موجود و بدون ایجاد دادگاه جدید با صلاحیت ذاتی تازه شعب تخصصی رسیدگی‌کننده به جرائم رایانه‌ای ایجاد کرد. طبق خصوصیتی که در بخش اول این نوشتار برای دادگاه‌های اختصاصی و تخصصی برشمردیم، دادگاه‌های رایانه‌ای مسلماً از شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی‌اند که برای رسیدگی به امر خاصی (جرائم رایانه‌ای) اختصاص یافته‌اند. علاوه بر آن سیاق ماده ۳۰ قانون جرائم رایانه‌ای که قوه قضائیه را مکلف به تخصیص برخی از شعب موجود دادگاه‌ها به رسیدگی به جرائم موضوع قانون مورد بحث می‌کند، مبین این مدعی است. ماده ۳۰ قانون جرائم رایانه‌ای به این شرح است: «قوه قضائیه موظف است به تناسب ضرورت شعبه یا شعبی از دادرها، دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدید نظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دهد.» همچنین تبصره این ماده به مجرب بودن قاضی محاکمه‌کننده اشاره می‌کند و مقرر می‌دارد که «قضات دادرها و دادگاه‌های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه‌ای دارند، انتخاب خواهند شد.» بنابراین در دادگاه‌های تخصصی رسیدگی‌کننده به جرائم رایانه‌ای آیین دادرسی خاصی غیر از همان آیین دادرسی محاکم عمومی (آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری) مجری نیست، این شعب چون اصالتاً شعبه‌ای از دادگاه‌های عمومی‌اند و با اختصاص به رسیدگی به نوع خاصی از جرائم و عدم تصریح مقنن به سلب صلاحیت این شعب از دعاوی غیر تخصصی، همچنان بر اساس ماده ۲۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری صلاحیت عام رسیدگی خود را حفظ کرده‌اند و اگر پرونده‌ای با موضوع جرمی غیر از جرائم رایانه‌ای به آن‌ها ارجاع شود هم مکلف و هم صالح به رسیدگی‌اند و با توجه به اختصاص مذکور نمی‌توانند قرار عدم صلاحیت صادر کنند.

### ب) دادگاه تخصصی ناشی از قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی

در اجرای قانون مذکور که مصوب پنجم خردادماه ۱۳۸۷ است مقنن قوه قضائیه را موظف به اختصاص برخی از شعب دادگاه‌های عمومی دادگستری برای رسیدگی به جرائم ناشی از این قانون و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب اول آذرماه ۱۳۸۴ به صورت فنی نموده است. ماده ۳۲ قانون مورد بحث در این باره چنین مقرر کرده است: "قوه قضائیه مکلف است برای رسیدگی به تخلفات و جرائم ناشی از اجراء این قانون و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ شعب خاصی را تعیین کند. این شعب منحصرأ به دعاوی و شکایات مربوط به این دو قانون رسیدگی می‌نماید." بنابراین با ایجاد این دادگاه تخصصی فقط همین شعب از دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی به اینگونه جرائم را دارند، و از سوی دیگر بر اساس اصل کلی قانونی بودن ایجاد دادگاه‌ها مقنن از این شعب خاص صلاحیت عام آن‌ها را سلب کرده است و این شعب از دادگاه عمومی فقط می‌توانند به دعاوی ناشی از دو قانون مذکور رسیدگی کنند. پس مقنن با تصویب قانون خاص بر اصل کلی مذکور در ماده ۲۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، که تخصصی بودن شعب دادگاه‌های عمومی را مانع ارجاع سایر پرونده‌ها به شعب تخصصی نمی‌داند، برای دقت بالاتر و رسیدگی بی‌دغدغه به موضوعات تخصصی این دادگاه تخصصی را از رسیدگی به سایر جرائم منع کرده است (بند اخیر ماده ۳۲ قانون اصلاح موادی از قانون...).

### ج) دادگاه اطفال

این شعب تخصصی از دادگاه‌های عمومی برای پر کردن خلأ ناشی از نبود یک دادگاه اختصاصی رسیدگی‌کننده به جرائم اطفال تنها دادگاه تخصصی است، که بر خلاف

اصل کلی وحدت شیوه دادرسی دادگاه‌های عمومی، به دلیل شخصیت فرد محاکمه‌شونده (صغیر) از دادرسی متفاوتی نسبت به آیین دادرسی عام دادگاه‌های عمومی برخوردار است. این شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی بر اساس ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ایجاد شده است و بنابراین چون خود ذاتاً شعبه‌ایی از دادگاه‌های عمومی است صلاحیت عام رسیدگی به باقی جرائم را طبق ویژگی کلی شعب تخصصی دارا است، پس ممکن است در برخی موارد این دادگاه به جرائم افراد بالغ بالای هجده سال رسیدگی کند.<sup>۳۳</sup> این شعب در رسیدگی به جرائم صغار از شیوه دادرسی ویژه- ایی استفاده می‌کنند در حالی که در زمان محاکمه فرد بالغ (دختر بالای نه سال و پسر بالای پانزده سال) همان آیین دادرسی عام دادگاه‌های عمومی را اجرا می‌کنند (تبصره دو ماده ۲۱۹ قانون اخیرالذکر). مرجع تجدید نظر از آرای این دادگاه نیز همان دادگاه تجدید نظر استان است، زیرا، براساس اصل کلی وحدت مرجع پژوهش خواهی در دادگاه‌های عمومی و انقلاب و عدم تعیین مرجع خاص تجدید نظر برای این دادگاه و به حکم ماده ۲۱ قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ که مقرر داشته: "مرجع تجدید نظر آراء قابل تجدید نظر دادگاه‌های عمومی حقوقی و جزایی و انقلاب، دادگاه تجدید نظر استانی است که آن دادگاه‌ها در حوزه قضائی آن استان قرار دارند." چون دادگاه اطفال نیز یک شعبه از دادگاه‌های عمومی جزایی است، تجدید نظر از آراء این دادگاه در دادگاه تجدید نظر استان انجام می‌شود.

#### د) دادگاه رسیدگی‌کننده به جرائم مرتبط با شبکه‌های ماهواره‌ای مخالف نظام

رئیس قوه قضائیه در تابستان سال ۱۳۸۸ به منظور انجام دادرسی فنی و تخصصی در

۳۳. محمد، آشوری؛ آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۴، جلد دوم، ص ۹۰.

رسیدگی به جرائم مربوط به شبکه‌های ماهواره‌ای مخالف نظام و ارتباط با آن‌ها بخش - نامه‌ای صادر کرد، که رؤسای کل دادگستری استان‌ها را مکلف به تخصیص برخی از شعب دادگاه و دادرهای موجود به رسیدگی به جرائم مذکور می‌کند، (بر اساس ماده اول آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب نهم بهمن ماه ۱۳۸۱ تقسیم شعب دادگاه‌های عمومی به جزایی و حقوقی، و تخصیص در این شعب، از اختیارات رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز از طرف او است)، بنابراین طبق این آیین‌نامه رؤسای کل دادگستری استان‌ها در تخصیص برخی از شعب دادگاه‌ها و دادرهای موجود افراد مجاز از قبل رئیس قوه قضائیه محسوب شده و دخالت آنان در تخصیص شعب غیرقانونی نیست. متن بند اول بخش‌نامه مورد بحث به این قرار است: "رؤسای کل دادگستری استان‌ها مکلفند شعبی از دادرها و محاکم جزایی مرکز استان را جهت رسیدگی به پرونده‌های مذکور با تصدی قضات مجرب به صورت تخصصی در نظر بگیرند و ترتیبی اتخاذ نمایند که متصدیان امر قضا در رسیدگی به پرونده‌های مذکور از نظرات کارشناسان و مسئولان امنیتی نهادهای مرتبط جهت شناسایی مقاصد، اهداف و پشتیبانی‌های مالی و سیاسی و اطلاعاتی شبکه‌های موصوف استفاده نمایند تا با اشراف بیشتر صدور احکام جامع و بازدارنده میسر شود."<sup>۳۴</sup> طبق این بخش‌نامه هدف اصلی ایجاد شعب تخصصی که همان رسیدگی توسط یک قاضی مجرب و به نحو فنی است واضح است.

### ه) شعب تخصصی رسیدگی به جرائم و تخلفات رانندگی

رئیس وقت قوه قضائیه در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۸۷ با صدور دستورالعملی<sup>۳۵</sup> بیست و نهمی در راستای ماده ۴ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱

۳۴. روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۴۰، مورخ ۱۴/۴/۱۳۸۸.

۳۵. معاونت آموزش قوه قضائیه، فصلنامه قضایی، شماره ۱۲، پائیز ۱۳۸۷، ص ۱۲۰.

دستور به تشکیل مجتمع‌ها و شعب تخصصی رسیدگی به جرائم و تخلفات رانندگی داد. بر اساس بند دوم این دستورالعمل در تهران و شهرستان‌های پرجمعیت مراکز استان‌ها این دادگاه‌ها به صورت مجتمعی که حتی‌الامکان دارای شعب تجدید نظر نیز می‌باشند و در سایر مناطق به صورت شعبه تخصصی شکل می‌گیرند. به این ترتیب هدف از تشکیل این مجتمع‌های تخصصی رسیدگی تخصصی به جرائم و تخلفات رانندگی و سرعت توأم با دقت در رسیدگی به پرونده‌ها به لحاظ مسائل معیشتی و درمانی افراد زیان‌دیده از تصادفات دانسته شد (بند اول). همان‌طور که واضح است رئیس قوه قضائیه با صدور این دستورالعمل به اختصاص برخی از شعب دادگاه‌های عمومی به موضوع خاص فنی پرداخته است بدون آنکه از صلاحیت دادگاه‌های عمومی بکاهد و یک دادگاه اختصاصی ایجاد کند.

### و) دادگاه تخصصی زمین

این دادگاه تخصصی ویژگی خاصی دارد که آن را از سایر شعب دادگاه عمومی که به رسیدگی به امر خاصی اختصاص یافته‌اند جدا می‌کند. در گفتار اول همین بخش اشاره شد که تفکیک بین شعب دادگاه‌های عمومی حقوقی و جزایی بر اساس تخصص و توسط رئیس قوه قضائیه یا مآذون از قبل او انجام می‌شود، زیرا، دادگاه‌های عمومی به عنوان دادگاه‌های واحد با صلاحیت عام در نظام فعلی حقوقی ایران پذیرفته شده‌اند یعنی اصولاً صلاحیت عام رسیدگی به تمامی دعاوی و تظلمات حقوقی را دارند؛ بنابراین اگر مقنن با تصویب قانونی خاص برای شعبه‌ایی از دادگاه عمومی هم صلاحیت در امور کیفری مشخص نماید و هم صلاحیت حقوقی، بر خلاف اصول پذیرفته شده در نظام دادگاه‌های ایران نخواهد بود. این اتفاق در مورد دادگاه‌های تخصصی زمین بر اساس ماده دهم از قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۸۷ رخ داده است. ماده مذکور چنین است: «رسیدگی قضایی در خصوص دعاوی احتمالی و پرونده‌های مطروحه مرتبط با اجراء قوانین مربوط به اراضی شهری از جمله قانون زمین

شهری، قانون اراضی شهری و این قانون در شعب تخصصی و خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد. البته واضح است که فعل به کار رفته در انتهای این بخش از ماده صحیح نمی‌باشد و ترکیب مناسب «انجام خواهد شد» می‌باشد. طبق ماده مذکور دادگاه‌های تخصصی زمین به دعاوی حقوقی ناشی از قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن (زیرا، این قانون اصلاً قانون جزایی و موجد جرم نیست تا بر اساس آن این شعب صلاحیت کیفری داشته باشند)، و دعاوی حقوقی و کیفری دو قانون زمین شهری و اراضی شهری رسیدگی می‌کند. دو قانون مذکور علاوه بر جنبه حقوقی که دارند به جرم انگاری-های خاصی در مورد اراضی نیز پرداخته‌اند؛ مثلاً قانون زمین شهری که مصوب ۲۲ شهریورماه سال ۱۳۶۶ است در ماده ۱۳ خود چنین مقرر کرده است: «هر گونه دخل و تصرف و تجاوز به اراضی شهری متعلق یا منتقل شده به دولت و شهرداری‌ها و یا احداث هر گونه بنا بدون پروانه مجاز و یا هر گونه نقل و انتقال به موجب اسناد عادی یا رسمی و تفکیک و افراز اراضی مزبور و یا هر گونه عملی بر خلاف این قانون جرم شناخته می‌شود ...» همچنین ماده چهاردهم قانون اراضی شهری مصوب بیست و هفتم اسفند سال ۱۳۶۰ چنین جرم انگاری کرده است: «از تاریخ تصویب این قانون هر گونه تصرف و تجاوز به اراضی شهری متعلق یا منتقل شده به دولت و شهرداری‌ها یا احداث هر گونه بنا و یا هر گونه نقل و انتقالات به موجب اسناد عادی یا رسمی و تفکیک و افراز آن اراضی و یا هر گونه عملی بر خلاف این قانون جرم شناخته می‌شود از زمین مزبور خلع ید شده و آثار تجاوز رفع می‌گردد و مرتکبین و واسطه‌ها و اشخاصی که در این اعمال دخالت داشته باشند هر یک علاوه بر پرداخت ضرر و زیان وارده طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری به مدت پنج سال از انجام هر گونه معاملات اموال غیر منقول در سراسر ایران محروم می‌شوند». بنابراین واضح است که این شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی هم صلاحیت حقوقی دارند و هم به رسیدگی به برخی از جرائم صالح‌اند و چون مقنن آیین دادرسی خاصی برای این شعب مشخص نکرده است باید گفت در زمانی که پرونده مطروحه یک

دعوی حقوقی است دادگاه باید قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ را اجرا کند و در بررسی دعاوی کیفری ناشی از دو قانون نام برده شده قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ حاکم است. در مورد مرجع پژوهش خواهی از آرای صادره توسط این دادگاه نیز چون هم مقنن مرجع خاصی غیر از دادگاه تجدید نظر استان مشخص نکرده و هم طبق اصل کلی وحدت مرجع تجدید نظر در دادگاه‌های عمومی (تخصصی و غیر تخصصی) دادگاه‌های تجدید نظر استان محکمه صالح برای پژوهش خواهی از آرای این دادگاه هستند.

### گفتار سوم: دادگاه نظامی

دادگاه‌های نظامی به عنوان تنها دادگاه‌های کیفری اختصاصی است که در قانون اساسی تصریح شده است (اصل صد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این ارتباط چنین مقرر داشته است: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.») از طرف دیگر این دادگاه‌ها داخل در تشکیلات قوه قضائیه محسوب می‌شوند.<sup>۳۶</sup> آنچه در این قسمت مورد بررسی است نه صلاحیت خاص دادگاه‌های نظامی در رسیدگی به جرائم

۳۶. برای مطالعه بیشتر در مورد سیر تحولات دادرسی مخصوص نظامیان نگاه کنید به: محمود، مالمیر؛ شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۹ و ۱۰. و همچنین محمدرضا، اسکندری؛ سیر تحول صلاحیت دادگاه‌های نظامی از سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۷۳ در ایران، ماهنامه دادرسی، سال ششم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۳۱، صص ۵۹ به بعد.

خاص نظامیان به عنوان مرجع اختصاصی دادرسی افراد نظامی، بلکه بررسی ویژگی‌های دادگاه‌های اختصاصی در این نوع دادگاه اختصاصی است. بر اساس خصوصیتی که برای دادگاه‌های اختصاصی برشمردیم دادگاه نظامی جامع تمام ویژگی‌ها است به این شرح که دادگاه نظامی تنها دادگاه اختصاصی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است و مقنن نیز برای اجرای اصل ۱۷۲ قانون اساسی در سال ۱۳۶۴ با تصویب قانون دادرسی نیروهای مسلح برای یکپارچه کردن تشکیلات رسیدگی‌کننده به جرائم خاص نظامیان با ادغام تمام مراجع صالح رسیدگی‌کننده به جرائم نظامی یا انتظامی انواع نیروهای مسلح یعنی سازمان قضایی ارتش، دادرها و دادگاه‌های انقلاب ارتش و دادرها و دادگاه‌های انقلاب و عمومی پاسداران، سازمان واحدی به نام سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان تنها مرجع صالح به رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی تمامی نیروهای مسلح تشکیل داد.<sup>۳۷</sup> همچنین در این دادگاه‌های اختصاصی آیین دادرسی خاصی غیر از آنچه در محاکم کیفری عمومی (تخصصی و غیرتخصصی) حاکم است، اجرا می‌شود، زیرا، بر اساس رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۵۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ در محاکم نظامی نه قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ بلکه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۲۹۰ شمسی حاکم است. مرجع پژوهش‌خواهی از آرای صادره توسط محاکم نظامی نیز مخصوص به خود است به نحوی که بر اساس ماده دو قانون تجدید نظر آراء دادگاه‌ها مصوب سال ۱۳۷۲ آراء صادره توسط دادگاه نظامی دو در دادگاه نظامی یک همان محل قابل پژوهش‌خواهی است و آراء صادره توسط دادگاه نظامی یک بر اساس ماده سوم همان قانون در دیوان عالی کشور قابل نقض یا تأیید است. علاوه بر این دادگاه‌های نظامی به

۳۷. محمود، مالیر؛ شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۰.

دلیل اختصاصی بودن فقط صلاحیت رسیدگی به جرائم مصرحه در قانونی که آن‌ها را تشکیل داده است، دارد.

### گفتار چهارم: دادگاه انقلاب

دادگاه انقلاب از بحث برانگیزترین مراجع کیفری در نظام حقوقی ایران است به نحوی که حتی با این استدلال که این دادگاه یک دادگاه اختصاصی است و برای تشکیل دادگاه اختصاصی باید نام آن محکمه حتماً در قانون اساسی ذکر شده باشد (مثل دادگاه نظامی در اصل ۱۷۲ قانون اساسی و دیوان عدالت اداری در اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) حکم به غیر مشروع بودن تشکیل دادگاه انقلاب در حقوق ایران داده‌اند.<sup>۳۸</sup> غالب نویسندگان معتقدند این دادگاه با توجه به احصای صلاحیتش در ماده پنجم قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و اصلاحی سال ۱۳۸۱ و با توجه به تعریف دادگاه اختصاصی که در ماده چهارم قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام عدلیه مصوب ۲۱ رجب سال ۱۳۲۹ قمری آمده است، یک دادگاه اختصاصی می‌باشد.<sup>۳۹</sup> اما با توجه به ویژگی‌های دادگاه‌های تخصصی که در بخش اول به آن‌ها اشاره شد این دادگاه‌ها نه دادگاه اختصاصی بلکه شعبی از دادگاه‌های عمومی‌اند که به رسیدگی به امور خاصی اختصاص یافته‌اند؛ بنابراین در این گفتار با بررسی این خصوصیات و دلایل دیگر در پی شناخت ماهیت دادگاه انقلاب از این حیث می‌باشیم. همان‌طور که در بخش اول آوردیم محاکم اختصاصی در برابر دادگاه‌های عمومی (تخصصی و غیر تخصصی) دارای یک شیوه دادرسی مختص به خود هستند (همان‌گونه

۳۸. عباس، زراعت؛ مشروعیت دادگاه انقلاب و چند ملاحظه، ماهنامه دادرسی، سال چهارم، آذر و دی ۱۳۷۹، شماره ۲۳، ص ۳۳.

۳۹. سید محمد، هاشمی؛ همان، ص ۴۳۲. و همچنین عبدالله، شمس؛ همان، ص ۸۷.

که در دادگاه‌های نظامی و روحانیت<sup>۴۰</sup> و شورای حل اختلاف<sup>۴۱</sup> و دیوان عدالت اداری<sup>۴۲</sup> چنین است؛ این در حالی است که در دادگاه‌های انقلاب آیین دادرسی خاصی غیر از آنچه که در سایر دادگاه‌های عمومی حاکم است، اجرا نمی‌شود و در این شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی نیز همان قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری یا حقوقی حاکم است.

ویژگی دیگر محاکم اختصاصی وجود مرجع تجدید نظر مختص به خود است در حالی که دادگاه‌های تخصصی مرجع پژوهش‌خواهی ویژه‌ایی ندارند. طبق این ویژگی دادگاه‌های انقلاب شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی‌اند، زیرا، مرجع تجدید نظر از آراء صادره توسط این شعب تخصصی همان دادگاه تجدید نظر استان است که بر اساس ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی سال ۱۳۸۱ دادگاه صالح برای نقض یا ابرام آراء صادره توسط دادگاه‌های عمومی حقوقی و جزایی و انقلاب می‌باشد. پس مرجع تجدید نظر آراء دادگاه تخصصی انقلاب محکمه ویژه‌ایی نیست. البته در مورد احکام اعدام صادره توسط این دادگاه که برای قطعی و اجرایی شدن نیاز به تأیید رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور دارد (ماده ۳۲ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سوم آبان ماه ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) بنابراین به نظر برخی در این

۴۰. بر اساس آیین‌نامه دادرسی دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب سال ۱۳۶۹ و اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵ این دادگاه دارای آیین دادرسی خاص است.

۴۱. قانون شورای‌های حل اختلاف در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید در ماده ۲۱ چنین مقرر کرده است: «رسیدگی شورا تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.» و در مبحث پنجم با عنوان «ترتیب رسیدگی در شورا» شیوه رسیدگی غیر از آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب معین شده است.

۴۲. فصل سوم قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام با نام ترتیب رسیدگی در دیوان روش دادرسی خاصی پیش‌بینی کرده است.

مورد برای تجدید نظر از آرای اعدامی صادره دادگاه انقلاب یک مرجع خاصی در نظر گرفته شده است، اما نمی‌توان بر این نظر بود چون لزوم تأیید این احکام جهت لازم‌الاجرا شدن توسط مقامات نامبرده نه به دلیل انقلاب بودن دادگاه مورد بحث بلکه به علت مربوط بودن به مواد مخدر است، زیرا، همانگونه که گفته شد لزوم تأیید حکم اعدام صادره توسط دادگاه انقلاب در مورد مواد مخدر در قانون مربوط به مواد مخدر (قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷) آمده است نه در قانون ایجاد کننده دادگاه تخصصی انقلاب (قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳)، یعنی حتی اگر دادگاه صالح رسیدگی کننده به جرائم مواد مخدر دادگاه انقلاب هم نمی‌بود، به دلیل حکم ماده ۳۲ قانون مبارزه با مواد مخدر احکام اعدام صادره توسط دادگاه انقلاب در مورد مواد مخدر برای لازم‌الاجرا شدن به تأیید رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نیاز داشت.

از دیگر خصوصیات دادگاه‌های تخصصی، که مورد بحث قرار گرفت، صلاحیت عام این دادگاه‌ها در رسیدگی به سایر پرونده‌هایی است که خارج از تخصص شان می‌باشد، دلیل این امر را هم اصالتاً عمومی بودن شعبه اختصاص یافته به دعاوی خاص دانستیم که با تخصیص یافتن به موضوعات خاص صلاحیت عام خود را از دست نمی‌دهند؛ البته بر این اصل یک استثنا وارد است که همان احصا و حکم قانون است، زیرا، تشکیل دادگاه و تعیین صلاحیت محاکم حق مقنن است، فقط قوه مقننه (و نه رئیس قوه قضائیه) می‌تواند با تصویب قانون یک دادگاه عمومی تخصصی را مکلف به رسیدگی به امور خاصی نماید.

دادگاه تخصصی انقلاب نیز از همین قاعده پیروی نموده و مانند دادگاه تخصصی ناشی از قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرا سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ بر اساس حکم قانون در ماده پنجم قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی سال ۱۳۸۱ فقط صالح به رسیدگی به دعاوی احصا شده می‌باشد و مقنن این دو دادگاه تخصصی را از دخالت در سایر دعاوی حقوقی منع کرده است، بدون آنکه به تخصصی

بودن شان صدمه‌ایی وارد آید. البته برخی با تخصصی دانستن دادگاه‌های انقلاب معتقدند این شعب همچنان صلاحیت رسیدگی به باقی دعاوی غیر از آنچه طبق ماده ۵ قانون اخیرالذکر در صلاحیت انحصاری آن‌ها است، را دارند<sup>۴۳</sup>، که البته طبق آنچه گفته شد این نظر صحیح نمی‌باشد.

علاوه بر این، دلیل اختصاصی دیگری می‌توان برای تخصصی دانستن دادگاه انقلاب ارائه نمود، و این دلیل استفاده از رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۵۱

مورخ سوم آبان ماه ۱۳۷۹ است. اختلاف آرای که سبب صدور این رأی شده است به این شرح است که شعبه سوم دادگاه انقلاب گرگان در مورد رسیدگی به اتهام صغیری که چهار کیلوگرم تریاک را در معرض فروش قرار داده بود به نفع دادگاه تخصصی اطفال و طبق ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ قرار عدم صلاحیت صادر کرده و پرونده را برای رسیدگی به دادگاه عمومی گرگان که جانشین دادگاه اطفال بوده است، ارسال می‌کند این شعبه نیز با این استدلال که «کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر طبق بند ۵ از ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در صلاحیت دادگاه انقلاب بوده و تبصره ذیل ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری هر چند به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام اشاره کرده اولاً: این تبصره انصراف به جرائم عمومی دارد و نظریه دادستان محترم کل کشور و همکاران محترم استنباط شخصی است و الزام قانونی نمی‌آورد» به نفع

۴۳. نظریه دادستان کل کشور در رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۰۴ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۴.

دادگاه انقلاب گلستان از خود سلب صلاحیت می‌کند، نهایتاً پرونده برای رفع اختلاف به شعبه سوم دادگاه تجدید نظر استان گلستان فرستاده می‌شود و این دادگاه به صلاحیت دادگاه عمومی جانشین دادگاه تخصصی اطفال حکم می‌دهد. از طرف دیگر در پرونده‌ایی مشابه پس از اعلام عدم صلاحیت از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب گنبد کاووس به نفع دادگاه اطفال و ارسال پرونده به دادگاه عمومی می‌نودشت این دادگاه نیز با صدور قرار عدم صلاحیت به صلاحیت دادگاه انقلاب نظر می‌دهد، سرانجام برای رفع اختلاف پرونده به شعبه پنجم دادگاه تجدید نظر استان گلستان ارسال می‌شود و قضات این شعبه بر خلاف قضات شعبه سوم دادگاه تجدید نظر همان استان در پرونده قبلی به صلاحیت دادگاه انقلاب حکم می‌دهد؛ بر این اساس و برای رفع اختلاف ایجاد شده این دو پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده می‌شوند و منتهی به صدور رأی وحدت رویه اخیرالذکر می‌شود.<sup>۴۴</sup> رأی وحدت رویه مورد بحث نیز صلاحیت در این مورد را به دادگاه‌های اطفال می‌دهد و این شعب را صالح به رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط اطفال که در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب است، می‌داند. این رأی وحدت رویه مورد تقدیر حقوق دانان قرار گرفت و به عنوان یک دیدگاه حمایت‌گرانه محسوب شد.<sup>۴۵</sup> این درحالی است که رأی مورد بحث در صورتی صحیح خواهد بود که دادگاه انقلاب را یک دادگاه اختصاصی ندانیم بلکه آن را شعبه‌ایی از دادگاه‌های عمومی و در واقع یک دادگاه تخصصی بدانیم، زیرا، اگر دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی با صلاحیت ذاتی محسوب شود بر اساس اصول کلی نمی‌توان بخشی از صلاحیتش را سلب کرده و به یک شعبه از دادگاه‌های عمومی (دادگاه

۴۴. روزنامه رسمی شماره ۱۶۲۳۶، مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۹.

۴۵. محمد، آشوری؛ همان.

تخصصی اطفال) سپرد، مشابه این دیدگاه در رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۸۷ مورخ دوم خردادماه<sup>۴۶</sup> سال ۱۳۸۵ دیده می‌شود که هیئت عمومی دیوان عالی در مورد جرائمی که مجازات اعدام و صلب و قصاص و رجم و حبس ابد دارند و توسط فرد بالغ کمتر از هجده سال ارتکاب یافته‌اند به صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری استان حکم داده است و صلاحیت ذاتی این محکمه اختصاصی را به نفع دادگاه اطفال سلب نکرده است.

---

۴۶. روزنامه رسمی شماره ۱۷۸۶۵، مورخ ۱۳۸۵/۴/۷.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکر شده در فوق، صلاحیت تخصصی یا اختصاصی دادگاه‌های کیفری را می‌توان در دو بعد نظری و عملی مورد توجه قرار داد. در بعد نظری هر یک از این صلاحیت‌ها دارای ویژگی‌هایی می‌باشند که موجب تمایز آنها از یکدیگر می‌شود به طوری که دادگاه‌های تخصصی مانند دادگاه اطفال دارای آیین دادرسی ویژه‌ای نمی‌باشند و یا اینکه می‌توانند به امور خارج از تخصص خود نیز رسیدگی کنند در حالی که دادگاه‌های اختصاصی مانند دادگاه نظامی دارای آیین دادرسی ویژه خود بوده و نیز مرجع تجدید نظر متفاوتی نسبت به دادگاه‌های عمومی دارد.

در بعد عملی نیز می‌توان تأثیر این تقسیم‌بندی و قرار دادن برخی از دادگاه‌ها در ذیل آن را مورد توجه قرار داد به طوری که عدم رعایت این تقسیم‌بندی موجب نقض حکم در مرحله تجدید نظر شده و موجب تحمل هزینه بر دولت و طرفین دعوای کیفری می‌شود. بایستی ذکر کرد که مقنن باید به مسئله تخصصی شدن دادگاه‌ها بیش از پیش توجه نماید به طوری که حتی مقامات عالی مملکتی (از جمله مقام رهبری) بر تخصصی شدن دادگاه‌ها و دادرسی‌های کیفری تأکید ورزیده‌اند<sup>۴۷</sup> و این امر می‌تواند یکی از محورهای شاخص در توسعه قضایی کشور محسوب شود، تا اینکه متهم از محاکمه خود توسط یک قاضی مسلط بر امور فنی کیفری مربوطه حصول اطمینان کند.

۴۷. بند ۴ از پاراگراف ۹ سیاست‌های کلی قضایی (با عنوان تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز)، از سند سیاست‌های کلی نظام، ابلاغی رهبر انقلاب.

## منابع

۱. آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۴، جلد دوم.
۲. آشوری، محمد؛ عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۳. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۴، جلد اول.
۴. بیگی، محمد اسماعیل (تدوین و گردآوری)؛ مجموعه بخش نامه‌ها (قوه قضائیه)، نشر قضا، چاپ اول، ۱۳۸۷، جلد چهارم.
۵. تولیت، سید عباس؛ صلاحیت عام محاکم دادگستری و صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی، مجله دیدگاه‌های حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۷۹، شماره ۱۷ و ۱۸.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، بی تا.
۷. خالقی، علی؛ آیین دادرسی کیفری، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۸. دریاباری، سید محمد زمان؛ دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۹. زراعت، عباس و مهاجری، علی؛ شرح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، نشر فیض، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد اول (تحقیقات مقدماتی).
۱۰. زراعت، عباس؛ مشروعیت دادگاه انقلاب و چند ملاحظه، ماهنامه دادرسی، سال چهارم، آذر و دی ۱۳۷۹، شماره ۲۳.
۱۱. زندی، محمدرضا (گردآورنده)؛ ۴۳۲ نکته از قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱، نشر اشراقیه، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱۲. شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، انتشارات دراک، چاپ هفدهم، ۱۳۸۷، جلد نخست.
۱۳. کاتوزیان، ناصر؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۷۹.
۱۴. گلدوست جویباری، رجب؛ کلیات آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۵. مالیر، محمود؛ شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۶. متین دفتری، احمد؛ آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.
۱۷. معاونت آموزشی قوة قضائیه، فصلنامه قضایی، شماره ۴، پائیز ۱۳۸۵.
۱۸. معاونت آموزشی قوة قضائیه، فصلنامه قضایی، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۵.
۱۹. معاونت آموزشی قوة قضائیه، فصلنامه قضایی، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۶.
۲۰. معاونت آموزشی قوة قضائیه، فصلنامه قضایی، شماره ۸، پائیز ۱۳۸۶.
۲۱. معاونت آموزشی قوة قضائیه، فصلنامه قضایی، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۷.
۲۲. معاونت آموزشی قوة قضائیه، رویه قضایی ایران در ارتباط با مراجع کیفری (دادگاه‌ها)، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۳. نوروزی فیروز، رحمت الله؛ آیین دادرسی کیفری ۲ (صلاحیت)، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۴. هاشمی، سید محمد؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵، جلد دوم (حاکمت و نهادهای سیاسی).